

چکیده

انقلاب اسلامی به عنوان داعیه دار حرف و راه نو برای بشریت در تلاش برای متحقق کردن ملزومات این مدعا می باشد. از دیگر سو انقلاب اسلامی که دیگری خود را نظام تمدنی غرب معرفی کرده است در مسیر حرکتی خود علاوه بر تلاش ایجابی برای فراهم آوردن این ملزومات، نیازمند تلاش جدی و سلبی برای مبارزه با عوامل و زمینه های مخالفت کننده با مسیر و جهت اصیل خود است. شرط توفیق انقلاب اسلامی در حرکت های ایجابی و سلبی خود اتخاذ تدابیر مناسب برای پیشروی در مسیر و پیش بری اهداف است و این تدبیر مستلزم سیاست ورزی و تعیین سیاست های مطلوب است.

این تحقیق در تلاش است تا به اقتضائات اصلی برای نیل به سیاست مطلوب در نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازد. بررسی و تعیین جایگاه و نقش رهبری نظام اسلامی در مدل حکومتی جمهوری اسلامی در موضع نیل به سیاست مطلوب موضوع این تحقیق است.

کلید واژه:

جایگاه و نقش رهبری نظام اسلامی، سیاست، سیاست گذاری

تبیین جایگاه و نقش رهبری نظام

اسلامی در سیاست گذاری مطلوب

نظام جمهوری اسلامی ایران

مهرداد باقری پدنی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری

MEHRDAD.BAGHERI@YAHOO.COM

محمدباقر خرمشاد

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

khorranshad@atu.ac.ir

محسن قمی

دانشیار دانشگاه باقرالعلوم

ghomi@iranculture.org

امیرعلی سیف الدین اصل

استادیار دانشگاه تهران

saifoddin@ut.ac.ir

مقدمه

جهان شمولی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در آغازین حرکت هایی که در جهت آگاه سازی مردم برای قیام دارد و حتی پیش از آن در محفل های علمی امام خمینی (ره)، آنگاه که اصحاب اصلی انقلاب الهی خویش را در مکتب حوزوی تربیت می کند و نیز در هدایت گروه های مبارز مسلمان در سال های مبارزه و به ویژه گروه های جوانان و تشکلهای دانشجویی، همواره از مأموریت تاریخی مسلمین در جهت برپایی تمدن اسلامی سخن می راند و تحقق یافتن عبودیت حقیقی را به عنوان فلسفه خلقت درگرو برپایی تمدن اسلامی می داند. برپایی تمدن اسلامی از ابتدای نضج یافتن اندیشه انقلاب اسلامی در منظومه تفکری امام خمینی (ره) به عنوان یک رکن اساسی مطرح بوده است و در مسیر حرکت ایشان از زمان آغاز مبارزه با رژیم پادشاهی سابق تا مرحله پیروزی و سپس استقرار نظام جمهوری اسلامی همواره در قول و فعل ایشان نمود یافته است. ارشادات ایشان در جهت دهی آینده انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی نیز به وضوح هدف غایی برپایی تمدن اسلامی را به عنوان سرلوحه اهداف نظام اسلامی معرفی می نماید. پس بلاشک نظام ج.ا.ا می بایست در مسیر نیل به تمدن اسلامی تمام توان خود را بسیج نموده و همه ابعاد ملزوم این نیل به هدف غایی را شناسایی و در جهت تأمین این ملزومات تلاش وافر نماید و در مسیر حرکت از هرگونه توقف و یا انحراف (انتخاب اهداف مغایر) اجتناب ورزد. مسیر حرکت انقلاب اسلامی در زمان زعامت و رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای نیز همواره و با تصریح مکرر ایشان همان راه و خط امام خمینی (ره) ذکر گردیده است (آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۸) و هدف غایی نظام اسلامی از سوی ایشان برپایی تمدن نوین اسلامی ذکر گردیده است. ایشان در پیام به کنگره حج در سال ۱۳۸۷ بیان داشته اند:

«من با اطمینان کامل میگویم: این هنوز آغاز کار است و تحقق کامل وعدهی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» و در جای



دیگر بیان می‌کنند «نظام جمهوری اسلامی، یک حرکت عظیم الهی است. ابعاد این حرکت، به ابعاد مرزهای این کشور محصور نیست. این حرکت، حتی به حصارهای زمان کنونی هم محدود نمی‌شود؛ یک حرکت عظیم تاریخی است» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹). ایشان نشانه‌ی این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر را در اولین و مهم‌ترین مرحله پیروزی انقلاب اسلامی دانسته و بیان می‌کنند «سر برآوردن این پدیده‌ی معجزآسا، درست در اوج هیاهوی مادی‌گری و اسلام‌ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی و آنگاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته می‌شد، در دنیای اسلام امیدی تازه برانگیخت و شوری در دل‌ها پدید آورد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷). آیت‌الله خامنه‌ای در آینده‌نگری این حرکت معتقد که «اردوگاه شرق چپ فروریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست. گذشت زمان به زیان آن‌ها و به سود جریان اسلام است. هدف نهائی را باید امت واحده‌ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه‌ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرارداد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰). در طی این مسیر نیز اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مسیر حرکت را از لحظه پیروزی انقلاب اسلامی تا رسیدن به تمدن نوین اسلامی در زنجیره‌ی منطقی تئوریزه نموده که به زنجیره تمدن اسلامی شهرت یافته است. «یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰). در مکتب فکری امامان و رهبران نظام اسلامی، انقلاب اسلامی جهت رسیدن به هدف غایی در فلسفه حرکت خود یعنی تحقق حکم پروردگار در عالم هستی مأموریت برپایی تمدن اسلامی را بر عهده دارد و هیچ مسیری غیر از مسیر تمدن سازی انقلاب اسلامی توان تحقق کامل این هدف را نخواهد داشت. حرکت در این مسیر تمدن سازی هم تکلیف نظام اسلامی است و هم درعین حال شرط بقای آن. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی چون حدوشش تمدنی بوده است، چاره‌ای جز این ندارد که بقای تمدنی نیز داشته باشد. به این معنا که باید بتواند الهام‌بخش و مبنای شکل‌دهی تمدنی نوین در ایران باشد، در غیر این صورت محکوم به زوال و نابودی است (خرمشاد، ۱۳۹۶).

انقلاب اسلامی و تنازع تمدنی با غرب

همان‌گونه که ذکر گردید انقلاب اسلامی از ابتدای حرکت در جهت مأموریت تمدن سازی خود تلاش‌ها و اقدامات فراوانی را سامان داده است و همچنان در پی گسترش و تداوم آن هست و در اثر این تلاش‌ها با مقابله خصمانه تمدن غرب مواجه گردیده است. تمدن حاکم غرب و نظام‌های سیاسی متعدد تحت سیطره این تمدن بشری به‌خوبی این نکته را درک نموده‌اند که انقلاب اسلامی از بدو تولد، دیگری خود را تمدن غرب تعریف کرده است و به‌صورت واضح مسیر حرکت و بالندگی انقلاب اسلامی مسیر انحطاط و ضعف تمدن غرب خواهد بود. در نظریات اندیشمندان بنام تمدن غرب مکرراً از مسیر تمدن انقلاب اسلامی به‌عنوان مسیر بدیل تمدن غرب یاد شده است و بر مبنای این نظریات و نیز سایر اهداف و اغراض نظامات سیاسی این تمدن مواجهه جدی با انقلاب اسلامی در دستور کار قرار گرفته است و همواره در طول سالیان استقرار نظام ج.ا.ا و با عناوین مختلف تقابل و نزاع تمام‌عیار در جهت نابودی و یا در حالت حداقلی، کاستن از سرعت حرکت انقلاب اسلامی وجود داشته است و به‌طور قطع در آینده نیز با گسترش و پیشروی بیشتر انقلاب اسلامی در نقشه راه تمدن سازی اسلامی، بر حجم و شدت این تنازع افزوده خواهد شد. این شرح مجمل را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که: انقلاب اسلامی از زمان حدوث خودشناسی تاریخی و تمدنی دارد و در حین نزاع تمدنی با تمدن غرب است (خرمشاد، ۱۳۹۶). حضور در میدان نزاع و مبارزه در مسیر تحقق اهداف، دستاوردهایی را برای طرفین درگیر در پی داشته است که قضاوت در خصوص نسبت موفقیت طرفین را می‌توان در تحلیل‌های هریک از طرفین نزاع از شرایط طرف مقابل دریافت. اکثریت اندیشمندان غربی قائل به حرکت حداکثری انقلاب اسلامی در مسیر تمدن سازی خود می‌باشند. البته لازم به ذکر است که این نتیجه‌گیری از جمع‌بندی آراء و نظرات ایشان در مجامع گوناگون است که البته هریک با ادبیات خاص خود در جبهه مقابله با انقلاب اسلامی باید سنجیده شود و جز در موارد اندک که مسیر تمدن انقلاب اسلامی را ذکر نموده‌اند، از عبارات با بار معنایی خاص در دستگاه فکری خود بهره برده‌اند. عباراتی همچون: تمدن ایرانی، امپراتوری ایران، هلال شیعی، بی‌ثبات‌سازی منطقه خاورمیانه، محور شرارت، نفوذ در آفریقا و آمریکای لاتین و ...

در سوی دیگر و در میدان طرفداران انقلاب اسلامی نیز آنچه قابل‌رؤیت و تحلیل هست را می‌توان به‌اجمال این‌گونه برشمرد:

رغبت ملل عالم و به‌ویژه مسلمان به حرف نوی انقلاب اسلامی برای بشریت و به‌ویژه برای ملت‌های مسلمان.

جلب توجه ایستادگی و مقاومت طولانی‌مدت انقلاب اسلامی در قبال تعارضات و تقابل استکبار جهانی در چشم ناظران.



اثبات پرهیز انقلاب اسلامی از اکتفا به اختصاصات خود (جغرافیا و منافع ملی) و عبور از مختصات خاص دین اسلام و مذهب تشیع در همراه سازی و مشارکت ملل در مسیر تمدن سازی نوین بشری و نیز نفی تمدن ظالمانه غربی.

وقوع عملی بیداری مردم و به‌ویژه ملت‌های مسلمان و هوشیاری آنان در نسبت با وقایع مهم عالم

رشد توجه به روند زوال و انحطاط تمدن غرب و آگاهی یافتن ملت‌ها از این روند

برجسته شدن موج سوم اسلام‌گرایی در میان ملت‌های مختلف و به‌ویژه ملت‌های غربی

نمود یافتن بیداری مردم کشورهای غربی در برابر

لذا می‌توان این‌گونه بیان کرد که در جمع‌بندی اولیه می‌توان از تفوق یافتن نسبی انقلاب اسلامی در مسیر تمدن سازی تا این مرحله از مبارزه تاریخی برای تمدن‌سازی نوین خود سخن گفت. لکن شرایط حال حاضر این نزاع یکی از حساس‌ترین شرایط و به تعبیری نقطه عطف این مبارزه تاریخی است، زمانه حاضر به‌زعم طرفین این نزاع فرصت تاریخی است که هرچند در اثر تفوق مسیر تمدن سازی اسلامی در سال‌های گذشته حاصل شده است، ولیکن میدانی تاریخی و فرصتی بی‌نظیر برای انقلاب اسلامی و در سوی مقابل فرصتی تاریخی برای تمدن غرب است. این روزگار زمانه بیداری ملت‌های عالم و به‌ویژه ملت‌های مسلمان به‌عنوان حلقه اول مخاطب‌ها انقلاب اسلامی در سالیان گذشته بوده است. روح بیداری که همواره از سوی مصلحان بزرگ مسلمان از سید جمال تا امام خمینی (ره) در کالبد تمدن بخواب رفته مسلمانان دمیده می‌شد با وقوع انقلاب اسلامی قوتی تازه یافت و با تداوم، استقامت و حرکت انقلاب اسلامی در قریب ۴۰ سال مجاهدت و تلاش، جانی تازه به پیکره امت اسلامی بخشید و در سال‌های اخیر بارقه‌هایی از بیداری واقعی قلوب و دل‌های امت اسلامی را نشان داد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹). این موفقیت که با مجاهدت خالصانه مدافعان حریم انقلاب اسلامی و اعوان بین‌المللی آن حاصل شد؛ آن‌چنان دستاورد بزرگی است که تمدن غرب ضربه‌ای سهمگین‌تر از آن را در طول قرن اخیر جز در مسئله وقوع انقلاب اسلامی به یاد ندارد و لهذا تمدن غرب به سرکردگی دولت ایالات‌متحده آمریکا به‌عنوان قطب کنونی این تمدن حاکم، توجه اصلی خود را بر این واقعه تاریخی و مدیریت آن مصروف کرده است. تلاش‌های دو دهه گذشته تمدن غرب در مواجهه با این روح فزاینده بیداری که خود در قالب‌های گوناگونی همچون طرح‌های خاورمیانه بزرگ یا خاورمیانه جدید، تروریسم اسلامی، محور شرارت، اسلام هراسی، ایران هراسی و ... تجلی یافته‌اند نمودهایی از این مواجهه و مبارزه تمدنی است. اندیشمندان غربی نیز در این باره به تفصیل نظریه‌پردازی کرده‌اند که اجمالاً می‌توان به ساموئل هانتینگتون، نظریه‌پرداز برجسته تمدن غرب که نبرد تمدن‌ها را پدیده پیش روی این تمدن‌ها دانسته (Huntington, 1993) و یا نظریه فوکویاما در موضوع پایان تاریخ (Fukuyama, 1992) اشاره کرد (خرمشاد، ۱۳۹۶).

در جبهه انقلاب اسلامی این فرصت؛ فرصتی تاریخی دانسته شده است که بر اساس نگاه حکمی تاریخی رهبران آن هرچند قرن یک‌بار این سنت الهی حاکم می‌گردد و در پی وقوع این سنت الهی باید تدابیر لازم اندیشیده شود. تمدن غرب در پی مدیریت کردن تمام جوانب این حادثه تاریخی برآمده است و به عبارت دقیق‌تر تمدن غرب در پی بدیل ساختن جهت این موقعیت است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱) و جبهه انقلاب اسلامی با درک این استراتژی تمدن غرب در پی طراحی استراتژی بعدی خود در جهت گذر و استفاده حداکثری از این فرصت تاریخی و عدم مغلوب شدن در مقابل استراتژی بدل‌سازی تمدن غرب است. این شرح مختصر به‌وضوح حساسیت و اهمیت خاص این شرایط و دوران تاریخی را برای دو جبهه معارض مشخص می‌نماید.

۱. بیان مسئله

۱.۱. شیوه تدبیر و طراحی برای تنازع تمدنی؛ سیاست‌گذاری مطلوب

آن‌گونه که ذکر گردید با حرکت کلان نظام جمهوری اسلامی در صراط انقلاب اسلامی فتوحات و پیشروی‌های کلانی برای جبهه حق و در مسیر تفوق یافتن بر جبهه تمدنی غرب به‌عنوان معارض و متجاوز تاریخی به کشورهای مسلمان حوزه تمدن سابق اسلامی، حاصل شده است و هر دو سوی این نزاع به‌خوبی از وضعیت موجود اطلاع داشته و هر یک در پی تطبیق دادن آینده شرایط موجود با اهداف کلان خود می‌باشند؛ در حوزه کشورهای اسلامی تلاش‌ها در جهت عمق بخشیدن به فتوحات بی‌نظیر حاصل شده در طی سال‌های اخیر و سرعت

یافتن پیشروی‌های جدید است و در سوی دیگر جبهه تمدنی غرب در پی آن است که با طراحی استراتژی بدل‌سازی در قبال حرکت بیداری مسلمین و در مرحله‌ای دیگر با مدیریت و به انحراف کشیدن این حرکت کلان، موقعیت خویش را از حالت تدافعی تغییر داده و دگر بار با هجوم به گفتمان تمدنی اسلام آن را از مرتبه رشد خود خارج و سپس بر آن تسلط یابند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱). استراتژی‌هایی همچون نام‌گذاری قیام‌های مردمی در کشورهای عربی به بهار عربی و یا استراتژی پنهان‌سازی وجوه اسلامی قیام‌های مردمی و نیز استراتژی رهبر سازی برای این جنبش‌های جوانان مسلمان نمونه‌هایی از این سیاست است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰). تمدن غرب همچون تمام تاریخ گذشته که برای تسلط بر جوامع بشری و به‌ویژه جوامع حوزه تاریخی تمدن اسلامی با جدیت و تلاش بسیار به امر تدبیر و طراحی مشغول بوده است، در زمان حاضر نیز بنا به شرایط بسیار خظیر حاصل‌شده با توانی بیشتر از قبل در این خصوص تدبیر و اندیشه نموده و در عرصه‌ها و ابعاد گوناگون طرح‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌نماید. نگاه هوشمند و از بالا به این میدان نزاع تاریخی نشان خواهد داد که تمدن غرب در مقام طراحی و تدبیر برای پیش‌بری امور خود در جهان و به‌ویژه در منطقه کشورهای اسلامی بسیار پرتلاش بوده است و درازای این تلاش وافر خود نیز فتوحات بسیار زیاد و تاریخی داشته است. مروری بر کتب خاطرات بسیاری از غریبان که روزگاری با عناوینی همچون تاریخ‌نگار، مردم‌شناس، گردشگر، سفیر، پزشک، مستشار و ... در کشورهای اسلامی حضور طولانی‌مدت داشته‌اند و عملاً میز مطالعاتی خود را در میدان مستقر کرده‌اند، نشان از سابقه طولانی و تجارب موفق تمدن غربی در بهره‌گیری کامل از ابزار رصد و تحلیل شرایط برای پیروزی در میدان نبرد دارد. درواقع وضع موجود عالم و تفوق تمدن غربی را می‌بایست نتیجه این طراحی و تدبیر به‌موازات تلاش برای اجرای مناسب طرح‌ریزی انجام‌شده دانست. وجود این تجربه تاریخی در تمدن غرب باعث شده است تا در شرایط خظیر کنونی بتواند به‌سرعت در نسبت با وقایع به سنجش وضعیت موجود و طراحی برنامه‌ها و اقدامات لازم بپردازد. جز وقوع پدیده انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی اخیر در کشورهای عربی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را تنها استثنای تاریخی باید دانست که از آن‌چنان سرعت وقوعی برخوردار بوده است که نظام سیاسی غرب در نقطه آغازین آن با آن‌چنان غافلگیری مواجه شده است که در کنار وجود برخی محاسبات و تحلیل‌های غلط منجر به ضربه‌های سهمگین به تمدن غرب شده است و در خاطره این تمدن غافلگیری و برداشت و تحلیل نادرست شرایط سال ۱۹۷۹-م و وقوع انقلاب اسلامی ایران را تداعی می‌کند و احتمالاً تجربه تلخ اشتباه محاسباتی سال ۱۹۷۹ م، در تلاش بیشتر و سریع‌تر آنان برای اقدام مناسب در مواجهه با آن، مؤثر بوده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱). با نگاه به سال‌های پیش از وقوع بیداری اسلامی در کشورهای عربی منطقه و تجزیه و تحلیل اقدامات نظام تمدنی غرب شبکه‌ای پیچیده از معادلات طراحی‌شده توسط اتاق‌های فکر ایشان قابل‌رؤیت است که همگی نشان از مواجهه تفکری و تدبیری ایشان با این واقعه بزرگ تاریخی دارد. با عنایت به این تحلیل مختصر در خصوص نحوه مواجهه جبهه تمدنی غرب با کشورها و ملت‌های مسلمان و بیشتر شدن حساسیت ایشان بر این مسئله در نتیجه حساس شدن شرایط منطقه و وقوع بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان، به‌طور منطقی می‌توان استدلال نمود که جبهه انقلاب اسلامی نیز می‌بایست با درک واقعی این شرایط حساس بر تمرکز و تلاش خود در زمینه این موضوع اساسی بیفزاید و با تلاش و جدیت بیشتر در میدان نزاع حاضر گردد و برای تأمین ملزومات این حضور تدارک جدی ببیند. رهبران انقلاب اسلام نیز با درک جامع از شرایط جهان و نگرش تاریخی خود در خصوص آینده‌نگری جامعه اسلامی برای حفظ جهت و پیش‌برندگی مسیر انقلاب اسلامی تأکیدات و تدابیر مؤکد داشته‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶). پیچیده‌تر شدن اوضاع و شرایط در کنار افزوده شدن معادلات در دستگاه محاسباتی اندیشمندان طرفین، نشان از تمرکز جدی هر دو طرف در مقام تدبیر برای طراحی بهترین سیاست‌ها و استراتژی‌ها دارد. لذا خط مقدم این تقابل را می‌توان در اتاق‌های فکر ایشان یافت و اندیشمندان، متفکران و طراحان را باید فرماندهان حال حاضر این نزاع تمدنی دانست؛ تاریخ نشان داده است که جبهه باطل همیشه در میدان‌های نزاع در بهره‌گیری از پتانسیل اتاق‌های فکر به‌عنوان مفر متفکر و جهت‌دهنده رهبران نزاع دارای هوشمندی و توان ویژه بوده است. تمدن حاضر غرب نیز همواره در استفاده از این ابزاردستی برتر داشته است و در بزنگاه‌های حساس تاریخی با تبعیت میدانی از طراحی‌های کلان و استراتژیک اتاق‌های فکر و اندیشمندان قهار خود موجبات تفوق و برتری را برای خود فراهم ساخته است و امروزه بهره‌گیری از توان فکری اندیشمندان در غرب در میدان‌های مختلف آن‌چنان قوت یافته است که به‌خوبی تبدیل به روش جاری گردیده است. مشاهده این فرآیندهای تدبیر، طراحی، برنامه‌ریزی تا اقدام، نشان از وجود خط مستقیمی در این مسیر دارد که در جهت برآوردن منافع کلان تمدن غرب ترسیم‌شده است. به عبارت روشن‌تر این‌گونه تفکر در نظام تمدنی غرب آن‌چنان در اثر تجربه طولانی، هوشمند شده است که می‌توان آن را به‌صورت یک فرآیند حاضر و آماده رؤیت نمود. در علوم و دانش امروزی می‌توان



این فرآیند با عنوان سیاست‌گذاری ۳۰ درصد نمود. فرآیندی که در آن از مراحل هدف‌گذاری تا برنامه‌ریزی تعبیه گردیده است. در این فرآیند اختلافات بنیادین وجود ندارد، چراکه فلسفه و سایر ملزومات قبلی (مانند اهداف) برای اندیشیدن و طراحی در مرحله اقدام به وضوح مشخص شده است و تمام تأملات و تفکرات در جهت بهینه‌سازی تدابیر برای حداکثر نمودن منافع است. نگاه تطبیقی به طراحی‌های در دسترس و قابل‌احصای این نظام تمدنی این نکته را نمایان می‌سازد که فرآیندهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این نظام تنها در مراحل آخر، یعنی در مراحل طراحی اقدام و یا احیاناً در اولویت‌بندی‌ها، دارای تفاوت می‌باشند و تفاوت و تضاد در مراحل مقدماتی این فرآیند بسیار کم‌سابقه است؛ وقوع این امر نشان از شکل یافتن منطق و سیستم تفکر در این نظام است و لهذا تمدن غرب علی‌رغم وجود تعارضات و گاه تضادهای موجود در نظامات سیاسی متعدد آن در مواجهه با انقلاب اسلامی حالت هم‌افزا و هم‌پوشان یافته است. پس می‌توان این‌گونه ادعا نمود که منطق تفکر و طراحی در تمدن غرب در نسبت با مواجهه با جبهه انقلاب اسلامی، منطق و دستگامی نظم یافته است و بر مبنای و فلسفه متعینی استوار است که گذر تاریخ و حوادث گوناگون شالوده آن را دچار تغییرات بنیادین نکرده است و این امر نشان از موفقیت نسبی این منطق دارد. منطقی که به علت جامعیت ابعاد و وجوه آن و طی مراحل تکاملی لازم در طول تاریخ چند صدساله خود (تکامل در ابعاد مبنایی، فلسفی، موضوعی و روشی)، به جایگاه یک دستگام فکری ارتقا یافته است و نظام تمدنی غرب همه وجوه حرکتی خویش را از این دستگام فکری اتخاذ و ارتکاز می‌نماید. در اثبات این ادعا می‌توان این‌گونه ذکر نمود که در صورت عدم رضایت تمدن غرب از این دستگام فکری می‌بایست در اصول بنیادین و نظام فلسفی آن در طی سالیان گذشته و با وقوع حوادث بزرگ، تغییری بنیادین رخ می‌داده است که وجود چنین مسئله‌ای در این نظام تمدنی قابل‌رؤیت نیست و تغییرات بنیادین سیاسی بسیاری از نظامات این تمدن، به تغییر در مراحل آخرین فرآیندهای این دستگام فکری منجر شده است و اصول آن را تغییر نداده است و باگذشت سالیان طولانی از این مراجعه تنها اقدامات و اولویت‌ها تغییر یافته است. تداوم حضور و موفقیت جبهه انقلاب اسلامی در این میدان نزاع درگرو آن است که این جبهه به تجهیز دستگام فکری موردنیاز خود در این مواجهه تاریخی بپردازد و آن را به‌عنوان اولویت اساسی خود قرار دهد. خطیر شدن شرایط و فرصت‌های تاریخی موجود نیز بر اولویت یافتن این مسئله تأکید می‌نماید. لذا جبهه انقلاب اسلامی باید در این خصوص به جدیت تمرکز یافته و تدبیر نماید.

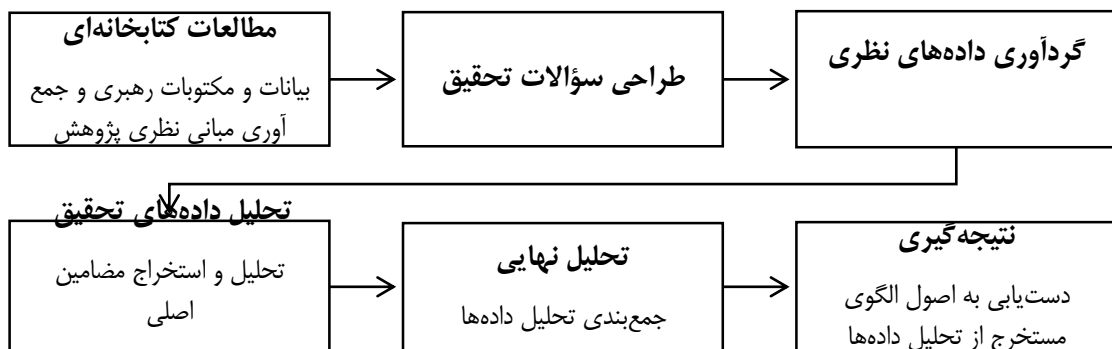
بحث اساسی این نوشتار نیز آن است که وظیفه اصلی جبهه انقلاب اسلامی در گام نخست، تلاش در جهت ساخت دستگام فکری متناسب با نیاز برای حضور در میدان نزاع تمدنی است. به‌طورقطع جامعه نخبگانی جبهه انقلاب اسلامی در پیشانی این مأموریت اساسی حضور دارند و باید با ایفای نقش در جهت دستیابی به این دستگام فکری به وظیفه خویش عمل نمایند. پژوهش‌ها و مطالعات دانشگاهی باید در راستای دستیابی به این اولویت اساسی انقلاب اسلامی جهت‌گیری شده و با تکمیل مرحله به مرحله قطعات به تکمیل جورچین مذکور کمک نمایند. این تحقیق در جهت ایفای نقش در این رسالت اسلامی است و در پی پاسخ یافتن به سؤالات اولیه در نسبت با این دستگام فکری است و در گام نخست در پی یافتن پاسخ‌هایی ابتدایی برای پرسش‌هایی در باب چگونگی ارتباط یافتن فرآیندهای تفکر برای سیاست‌گذاری در نظام اسلامی با منابع اصیل انقلاب اسلامی هست.

۲. روش‌شناسی تحقیق

انتخاب روش تحقیق یکی از مهم‌ترین و فنی‌ترین مراحل است که پژوهشگر باید با حساسیت ویژه، ابزار مناسبی برای گردآوری داده‌ها طراحی کرده و با انتخاب نمونه آماری مناسب برای تحقیق، داده‌های موردنیاز تحقیق را جمع‌آوری کند. (خاکی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۲). امروزه پژوهش‌های کیفی با توجه به ارائه نتایج تفسیری و معنایی، مقبولیتی عام یافته‌اند. در چند دهه گذشته، به مرور تأکید بر روش‌شناسی کیفی، جایگزین تفوق و برتری روش‌شناسی کمی شده است (دانایی فرد، ۱۳۸۶). این تحقیق از منظر هدف تحقیقی توسعه‌ای می‌باشد و از منظر داده‌های مورد بررسی نیز با داده‌های کیفی مواجه است. این تحقیق در پارادایم کیفی شکل گرفته است. به عبارت دیگر در این تحقیق برای گردآوری و تحلیل داده‌ها و نتایج آن‌ها از روش‌های تحقیق با رویکرد کیفی استفاده خواهد شد. بنابراین در این تحقیق پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و دستیابی به مبنای نظری، شروع مرحله گردآوری و تحلیلی داده‌های تحقیق با روش کیفی تحلیل مضمون بوده و بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از این روش، فرآیند تحلیلی داده‌ها پیش خواهد رفت. در این تحقیق ما از استراتژی مطالعه‌ی موردی استفاده خواهیم کرد. این استراتژی به ما اجازه می‌دهد که با بررسی یک مورد خاص به‌عنوان مورد مطالعاتی، مفاهیم و ادبیات نظری را بر روی آن، موردسنجش قرار داده و مزیت‌ها و آسیب‌ها به‌طور ملموس‌تری نمایش داده شود. شواهد و مدارکی که از طرح تحقیق موردی



به دست می‌آید غالباً اجتناب‌ناپذیر است و نسبت به سایر استراتژی‌ها، کل تحقیق موردی به‌عنوان تحقیقی قوی‌تر به حساب می‌آید. (سرمد، ۱۳۷۶). روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش مطالعه‌ی اسنادی است (مطالعه و بررسی کتب منتشره از بیانات و مکتوبات آیت‌الله خامنه‌ای و نیز بیانات منتشر شده از طریق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رسمی دفتر ایشان). در این مسیر سعی می‌شود از ادبیات علمی بیان شده در حوزه‌ی مفاهیم نظری مرتبط با موضوع سیاستگذاری، اسناد بالادستی و نظرات نخبگان و صاحب نظران بهره‌برداری شود. با توجه به اینکه پژوهش در پی کشف جایگاه و نقش رهبری نظام اسلامی در سیاستگذاری مطلوب جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، لذا جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق کلیه گفتار و مکتوبات موجود و در دسترس ایشان می‌باشد.



شکل شماره (۱): فرآیند انجام تحقیق

۳. مبانی نظری

۳.۱. نقش و جایگاه رهبری نظام اسلامی

برای تشخیص نقش و جایگاه رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌بایست به دو جایگاه تفسیر کننده مهم رجوع کرد. جایگاه نخست خود مقام رهبری به‌عنوان مفسر نظریه ولایت فقیه- به‌عنوان نظریه‌ی مبنایی مدل حکومتی جمهوری اسلامی- و جایگاه دیگر قانون اساسی به‌عنوان مرجع و میثاق ملی ملت ایران. موضع جایگاه نخست در این خصوص بصراحت بیان می‌دارد: «ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است، این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. بنابراین ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احياناً نصیحت کننده است - آن طوری که بعضی از اول انقلاب این را می‌خواستند و ترویج می‌کردند- نه نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت دارد، چون کشور مسولان اجرایی قضایی و تقنینی دارد و همه باید براساس مسولیت خود کارهایشان را انجام دهند و پاسخگوی مسولیت‌های خود باشند نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه پیچیده و در هم تنیده تلاش‌های گوناگون نباید حرکت نظام، انانجراف از هدف‌ها و ارزش‌ها باشد. نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهمترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳). همچنین ایشان با تصریح دیگری و بر اساس اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نقش و مسولیت رهبری را اینچنین تشریح نموده‌اند: «وظایف و مسولیت‌های رهبری، همان چیزی است که در قانون اساسی آمده است. رهبری، سیاست‌گذار کلی نظام محسوب می‌شود؛ یعنی همه قوای سه‌گانه باید در چارچوب سیاست‌های رهبری برنامه‌ریزی کنند و سیاست‌های اجرایی خودشان را تنظیم نمایند. حرکت و قواری کلی نظام باید در چارچوب سیاست‌هایی باشد که رهبری معین می‌کند. این مهم‌ترین مسولیت رهبری است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹).



۲.۳. سیاست‌گذاری

۲.۳.۱. سیاست

سیاست در لغت به معنای حکومت، ریاست، امر و نهی، پرداختن به امور مردم بر مصالح‌شان (لغت نامه دهخدا) و در متون دینی واژه سیاست به معنای تدبیر امور جامعه آمده است. حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «نحن ساسة العباد...» (بحارالانوار ج ۹۷ ص ۳۴۲). می‌توان اینگونه برداشت نمود که رهبران الهی بوسیله سیاست، انسان را در مسیر هدف از خلقت قرار می‌دهند. همچنین امام می‌فرمایند: «الامام عالم بالسیاسة» (اصول کافی ج ۱ ص ۲۰۲) و نیز می‌فرمایند: «فوض الیه امرالدین و الدنيا لیسوس عباده» (همان ص ۲۶۶) یعنی خداوند متعال امر دین و دنیای مردم را به پیامبرش واگذار کرد تا پیامبر امور بندگان را تدبیر کند. امام خمینی (ره) نیز در معنای سیاست معتقدند «سیاست به معنای این که جامعه را راه برود و هدایت کند به آن جایی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست، این در روایت ما برای نبی اکرم با لفظ سیاست ثابت شده است. در آن روایت هم هست که پیامبر اکرم مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد (صحیفه نور، ج ۱۳ ص ۲۱۶). بنابراین می‌توان اینگونه برداشت نمود که معنا و تعریف اصطلاحی سیاست عبارت است از اداره کردن جامعه در جهت مصلحت مادی و معنوی عموم مردم همراه امر و نهی. در تعاریف لغوی دیگری نیز به معنای روش کلی، رهنمود و تدبیر برای نیل به اهداف و اداره امور می‌باشد و چارچوبی ذهنی است که راهبرد (استراتژی) در قالب آن شکل می‌گیرد.

در ادبیات رایج علمی نیز واژه سیاست به دو معنای کلی استعمال می‌شود:

۱- به معنای علم سیاست (معادل واژه لاتین POLITICS)

۲- به معنای تدبیر، مهارت، راه حل مساله و مشکل برای رسیدن به هدف و.. (معادل واژه لاتین POLICY)

برای تمییز این دو معنا باید به این نکته توجه کرد که در بحث سیاست‌گذاری مفهوم Policy مدنظر است. کلمه Policy ریشه کهن یونانی دارد. وقتی سیاست به معنای Policy بکار رود و به صورت یک فرآیند، به آن سیاست‌گذاری اطلاق می‌گردد. بنابراین سیاست‌گذاری فرآیندی است که منجر به استفاده بهینه از کلیه منابع برای رسیدن به اهداف عموردنظر می‌شود. در واقع سیاست مرحله تبیین مسیر رسیدن از اهداف به برنامه‌ها می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر سیاست در درجه‌ای خردتر از هدف قرار دارد. لذا به منظور دستیابی به هدفی خاص می‌باید مجموعه‌ای از سیاست‌ها تدوین شوند تا علی‌رغم اجرا در زمینه‌های مختلف، قابلیت همگرایی و تمرکز در کسب هدفی خاص را داشته باشند (اشتریان، ۱۳۸۱، صص ۶۹-۷۰). بنیت و مبرک در پژوهشی بیان کرده‌اند که سیاست یا راهبرد (policy) به همه اقدامات حکومت که اثر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد و نیز آنچه دولت تصمیم می‌گیرد انجام دهد یا کنار بگذارد اطلاق می‌شود (بنیت و مبرک، ۱۳۸۲). همچنین در پژوهشی دیگر سیاست در سطح کلان را عبارت از «تدوین راه‌حل عملی برای حل مشکل خاص اجتماعی یا برای دستیابی به هدف ویژه» دانسته‌اند (اشتریان، ۱۳۸۱). پس از این مفهوم به مفهومی جدید با عنوان «سیاست پژوهی» می‌رسیم که به فرآیند تحقیق و یا تحلیل مسائل بنیادی، توصیه‌هایی اجرایی و معطوف به عمل را به سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد (ماژرزاک، ۱۳۷۹).

۲.۳.۳. سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده و تداعی‌کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی است (قلی پور و غلام پور آهنگر، ۱۳۸۹). از زمانی که سیاست‌گذاری به عنوان علمی دانشگاهی در جهان مطرح شده است، تقریباً چهار دهه می‌گذرد. تئوری سیاست‌گذاری مرتبط با عواملی است که در چرخه سیاست‌گذاری دخیل هستند. تا پیش از پیدایش علم سیاست‌گذاری عمومی، مطالعات سیاسی به تمرکز در زمینه‌های هنجاری و اخلاقی دولت و نهادهای سیاسی محدود شده بود. پژوهشگران با مطالعه آثار سیاسی بزرگان فلسفه غرب در جست‌وجوی شناخت اهداف دولت و وظایف در هدایت شهروندان به زندگی بهتر بودند. این پژوهش‌ها به توسعه و تکمیل مباحثی چون طبیعت جامعه، نقش دولت، حقوق و مسئولیت‌های شهروندان و دولت‌ها منتهی شد. گرچه پیدایش این علم ریشه در آثار لاسول و همکارانش در اوایل دهه پنجاه میلادی دارد، اما نهادینه شدن و گسترش این رشته در اواسط دهه شصت آغاز شد. از این‌رو به دلیل ایجاد شکاف فزاینده میان نظریه و عمل در رفتار سیاسی در علم سنتی سیاست بود که بسیاری از اندیشمندان را بر آن داشت تا برای بررسی سیاست‌ها به جست‌وجوی روش‌های دیگری بپردازند. از جمله این اندیشمندان می‌توان به هارولد لاسول و همکارانش اشاره کرد که برای جایگزینی علوم سیاست‌گذاری به جای علم سنتی سیاست در تلاش بودند تا بتوانند میان نظریه سیاسی و عمل سیاسی آشتی برقرار کرده و با تحلیل تجربی خط موجود میان مباحث

مجرد و نیازهای عینی را پر کنند (Howlett, 1995). از این رو، علم سیاست‌گذاری از علم سنتی سیاست، هم به دلیل تعاریف و هم به دلیل مسائلی که مطالعه می‌شود تفاوت آشکاری دارد. از لحاظ تعاریف، علم سیاست‌گذاری از تعریف سیاست به عنوان علم قدرت یا دولت به تعریف سیاست به عنوان علم یا هنر اداره جامعه عدول می‌کند. اولی به فرایندهای قدرت سیاسی و دومی به سیاست‌هایی می‌پردازد که قدرت سیاسی در پیش می‌گیرد. هرچند پیوستگی و تنیدگی این دو به اندازه‌ای است که نمی‌توان مرزبندی دقیقی از این دو در دست داشت. در عرصه پژوهش، این تمایز بسیار کاراست. علوم سیاسی به مباحث کلی و مجردی چون آزادی، جنگ و صلح، نظریات سیاسی و مانند آن می‌پردازد ولی علم سیاست‌گذاری ما را به عرصه فعالیت‌های خرد واداری دولت می‌کشاند که نمود عینی‌تری دارد. به نظر پاتریس دوران مهم سیاست‌گذاری با ارجحیت دادن به مطالعه مسائل عمومی که در درون خود حضور بسیاری از متغیرهای جامعه‌شناختی را (که با ساخت اجتماعی یا فرهنگ یا با روش‌های برهانی پیوسته‌اند) همگون می‌کند، به وضوح از علوم سیاسی که با چشم‌اندازی کاملاً نهادی تعریف می‌شود فاصله می‌گیرد و خود را به عنوان بستر ویژه‌ای در جامعه‌شناسی مطرح می‌کند. پل ساباتیر فعالیت‌هایی را که از دهه هفتاد به این سو در زمینه سیاست‌گذاری گسترش یافته است به چهار دسته تقسیم می‌کند: تحلیل حوزه‌های مشخص سیاست‌گذاری مانند بهداشت، حمل و نقل، منابع طبیعی و سیاست‌گذاری در امور خارجی؛ ارزیابی سیاست‌ها و مطالعه نتایج آن‌ها؛ فرایند سیاست‌گذاری‌ها و عواملی که بر تنظیم و اعمال سیاست‌ها تأثیر می‌گذارد؛ پیش‌بینی سیاست‌های جایگزین و مطالعه کارایی انواع ابزارهای ممکن در عرصه عمل سیاسی (ساباتیر، ۱۹۹۱؛ به نقل از قلی پور، رحمت‌الله، ابراهیم غلام پور آهنگر، ۱۳۸۹).

نتیجتاً اینکه ایده علوم سیاست‌گذاری ایده جدیدی نیست و ابتدا توسط لرنر و لاسول در ۱۹۵۱ مطرح گردیده (لرنر و لاسول، ۱۹۵۱) و سپس تحت عناوین دیگری همچون مطالعات سیاست‌گذاری^۱ یا تجزیه و تحلیل سیاست^۲ ارائه گردید (لاسول، ۱۹۷۱). علم سیاست‌گذاری به عنوان یکی از شاخه‌های علوم سیاسی به مطالعه سیاست‌ها و عملکردهای مشخص دولت در زمینه‌های گوناگونی چون سیاست کشاورزی، بهداشتی، امنیت، شهر و همچنین زیرمجموعه‌های گوناگون هریک از این موارد می‌پردازد. این علم می‌کوشد شناخت عملی ما را در سیاست‌های بخش عمومی گسترش دهد و دخالت‌های دولتی را در امور جامعه بازشناسد و در یک‌کلام از فعالیت‌های بخش عمومی به صورت خرد سخن می‌گوید: دولت چه جنبه‌هایی را از امور عمومی به عهده گرفته است؟ سیاسی یا اداری، منطقه‌ای یا ملی و چگونه آن را انجام خواهد داد؟ خلاصه آنکه علم سیاست‌گذاری از امنیت عمومی، آموزش کادرهای دولتی، پیش‌بینی فعالیت‌های دولت، امور مالی، حمل و نقل، برنامه‌ریزی شهری و از تدبیر امور جامعه سخن به میان می‌آورد (اشتریان، ۳۸۷). به طوری که لاسول سه ویژگی را برای این رشته برمی‌شمرد: چند رشته‌ای^۴ است، به دنبال حل مشکل^۵ است و قویاً^۶ هنجاری است. منظور لاسول از چند رشته‌ای بودن آن است که علم سیاست‌گذاری باید خود را از مطالعات محدود نهادها و ساختارهای سیاسی رها سازد و به آثار و یافته‌های رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد، حقوق و سیاست نیز توجه کند. وی با طرح ویژه‌ای به دنبال حل مشکل است و به این نکته اشاره دارد که علم سیاست‌گذاری باید به اصل موضوعات بپردازد و هدفش حل مشکلات دنیای واقعی باشد و خود را درگیر بحث‌های صرفاً دانشگاهی نکند که غالباً مبتنی بر تدابیر کلاسیکی و گاهی نوشتاری مبهم و پیچیده سیاسی هستند. در پایان با قویاً^۷ هنجاری بودن علم سیاست‌گذاری، می‌خواهد بیان کند این علم نباید اسیر ظاهر مشکل اعینیت علمی شود، بلکه باید امکان‌ناپذیری جدایی هدف‌ها و ابزارها با ارزش‌ها را در مطالعه اقدامات دولت مشخص سازد. وی معتقد است علم سیاست‌گذاری به همگونی و ایجاد پیوند بین تخصص‌های گوناگون گرایش دارد. از سویی با به‌کارگیری روش‌های علوم اجتماعی و روان‌شناسی به مطالعه فرایند تصمیم‌گیری می‌پردازد و از سوی دیگر، باهدف بهبود محتوای اطلاعات و تفاسیر فنی سیاست‌گذاری و دولت‌مدان پای خود را از مرزهای علوم اجتماعی و روان‌شناسی فراتر می‌گذارد (Howlett, 1995).



۳.۲.۳. سیاست‌گذاری مطلوب

سیاست‌گذاری مطلوب برای نظام اسلامی، نحو و سبکی از فرآیند سیاست‌گذاری است که اولاً سیاست‌های مستخرج از آن مسیری منطبق بر نقشه‌راه کلان انقلاب اسلامی را در مقابل سیاست‌گذاران قرار دهد و در نهایت نیز طی مسیر سیاست‌های آن منجر به تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی گردد.

۴. تحلیل

۴.۱. تحلیل نظری

انقلاب اسلامی با آرمان جهان‌شمول خود و داعیه حرف نو برای بشریت در عرصه‌های مادی و معنوی، طرحی نو را پیش روی عالمیان گشود. هرچند که بیداری تاریخی مردم ملت‌های گوناگون در ادیان و اقوام جهان حاضر، بر اساس سنت‌های الهی حاکم بر عالم تبیین می‌گردد، لکن نمی‌توان ضریب جهشی تأثیرات انقلاب اسلامی بر این موج بیداری ملت‌ها و درعین‌حال مواجهه انقلاب اسلامی با موج فزاینده مطالبه بشریت از نقشه راه حرکت در این طرح نو را نادیده انگاشت. در نتیجه انقلاب اسلامی عصر حاضر، همچون انقلاب جهانی دوران صدر اسلام، در اوان جوانی خود با مطالبه جهانی برای حق‌جویی، مسیریابی حقیقت و نیز نقشه راه حرکت از وضع اسفناک موجود بشری به مسیر تعالی به‌سوی حق مطلق مواجه شده است. لذاست که باید با بهره‌گیری از عنصر ایمان و مجاهدت تجربه تمدن صدر اسلام را تکرار نماید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸). نظام ج.ا.ا. به‌عنوان نظام برآمده از انقلاب اسلامی مولود خواست مردم برای پیاده‌سازی اسلام (عینیت‌بخشی به احکام و ارزش‌های اسلام) و زیستن بر مبنای روش اسلامی هست. به تعبیر دقیق‌تر «امروز برای اولین بار در تاریخ کشور ما - بلکه در تاریخ کشورهای اسلامی - بعد از صدر اسلام، دین منشأ و منبع قدرت و تدبیر امور و اداره‌ی جامعه شده است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳)؛ بنابراین در این نظام می‌بایست از کلان تا خرد امور مرتبط با حکمرانی و اداره عرصه‌های گوناگون حکومت اسلامی، در نسبت با معارف و آرمان‌های اسلام به‌صورت مشخص تعریف، تبیین و اجرایی گردند. لذا برای تحقق این شیوه اداره حکومت، رهبران نظام اسلامی به‌عنوان مسئول قانونی و شرعی حکومت اسلامی می‌بایست در خصوص چگونگی هدایت ارکان نظام اسلامی برای تعیین جهت، مسیر و شیوه حرکت در مسیر تحقق آرمان اسلامی ارائه تدبیر نمایند. برای هدایت و مدیریت این هدف، چگونگی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور، نیازمند تدبیر و طراحی است.

شرایط و وضعیت موجود هر جامعه حاصل برآیندی پیاده‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های طراحی‌شده آن است. برخی از این سیاست‌ها و برنامه‌ها به مرحله اجرا و عمل درآمده است و یا بنا به علل مختلف، سیاست‌هایی اجرایی نگردیده است و یا با انحراف در عمل مواجه شده است و در هر صورت هرکدام نتایجی را میدان واقعی نظام و جامعه اسلامی به بار آورده است. فارغ از شیوه اجرا و حکمرانی عملی و نیز دلایل عدم اجرایی شدن و یا انحراف در اجرا، صحت سیاست (سیاست به‌عنوان نتیجه و خروجی فرآیند سیاست‌گذاری) به‌صورت کاملاً عقلانی شرط لازم حرکت در مسیر آرمان و ارزش‌های هر نظام و سیستمی است. به همین دلیل پرداختن به شرایط تحقق صحت و ضمانت فرآیند سیاست‌گذاری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. وجود مبانی غنی و نیز آرمان‌ها و ارزش‌های والا به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند رافع ضرورت پرداخت به شرایط تحقق صحت فرآیند سیاست‌گذاری در هر حرکتی مبتنی بر آن سیاست‌ها باشد. سیاست و سیاست‌گذاری سطوح مختلفی دارد که سطح اول و برتر آن سیاست‌های کلان و سیاست‌گذاری کلان است. این سیاست‌های کلان در نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی رهبری نظام شکل می‌یابند. از مهم‌ترین شرایط صحت فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی شدن سیاست‌ها و برنامه‌ها، آن است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در راستای نظام فکری رهبران آن جامعه تدبیر و طراحی نمایند. در نظام اسلامی نیز هر دو مرحله طراحی تدبیر و اجرای تدبیر نیازمند معنا شدن در ذیل دستگاه فکری رهبران فکری جامعه اسلامی است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که شرط انطباق صحیح سیاست‌های عرصه‌های گوناگون اداره نظام اسلامی بر سیاست‌گذاری رهبران آن (به‌عنوان سیاست‌گذاران اصلی) آن است که سیاست‌گذاران در فرآیندهای سیاست‌گذاری بر مبنای خط سیاستی رهبری نظام اسلامی حرکت نمایند.

در تبیین خط سیاست رهبری نظام اسلامی نیز می‌توان این‌گونه بیان کرد که در این فرآیند سیاست‌گذاری، مبدأ و مقصد معین است. به‌عبارت‌دیگر خط سیاستی در دستگاه فکری رهبری نظام اسلامی دارای مبانی مستحکم اسلام ناب در نقطه مبدأ و آغاز حرکت و دارای



هدف تمدن در نقطه مقصد و غایت حرکت است. اکتساب درک دستگاه فکری رهبران نظام اسلامی شرط لازم برای سیاست‌گذاری مطلوب در نظام اسلامی هست. در مرحله بعد سیاست‌گذار باید فرآیندهای سیاست‌گذاری را بر اساس این خط سیاستی طی نماید تا به سیاست مطلوب نائل گردد. طی طریق صحیح فرآیند سیاست‌گذاری مبتنی بر خط سیاستی رهبری نظام اسلامی شرط کفایت سیاست‌گذاری مطلوب است. منظور از سیاست‌گذاری مطلوب برای نظام اسلامی، نحو و سبکی از فرآیند سیاست‌گذاری است که اولاً سیاست‌های مستخرج از آن مسیری منطبق بر نقشه‌راه کلان انقلاب اسلامی را در مقابل سیاست‌گذاران قرار دهد و در نهایت نیز طی مسیر سیاست‌های آن منجر به تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی گردد. در واقع سیاست مطلوب برای جمهوری اسلامی آنست که سبب پیشرفت مطلوب جمهوری اسلامی شود. به بیان دیگر جمهوری اسلامی که در داعیه خود برای پیشرفت، نوع خاص و متمایزی از پیشرفت را نشان کرده است و مدعی دارا بودن عقلانیت و پتانسیل لازم برای رسیدن به این سبک و سطح خاص از پیشرفت می‌باشد، نیازمند الگویی خاص از سیاست‌گذاری برای تحقق این مدعاست.

مطابق آنچه تاکنون مطرح گردید، کسب فهم صحیح از ابعاد کلان دستگاه فکری رهبران نظام اسلامی و کشف خطوط اصلی آن، شرط لازم برای صحت سیاست‌گذاری در جهت اهداف خواهد بود؛ بنابراین با توجه به موضوع این مقاله، می‌توان این‌گونه بیان داشت که هر میزان که انطباق فهم سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان با نظام فکری رهبران جامعه اسلامی بیشتر باشد، فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی از انطباق بیشتری در راستای آرمان‌ها و اهداف کلان ترسیم‌شده نظام اسلامی برخوردار خواهد بود و به‌عکس هر میزان از عدم انطباق، موجبات زاویه گرفتن از مسیر اصلی و صواب سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در چنین جامعه‌ای را فراهم می‌سازد. در نظام ج.ا.ا که حاکمیت ولی‌فقیه برای ترسیم صحیح مسیر حرکت نظام اسلامی به سمت پیاده‌سازی (تحقق عینی) اهداف اسلامی هست، می‌بایست خطوط اصلی مسیر حرکت را در نظام اندیشه‌ی این رهبران جستجو نمود. «ولایت‌فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست، این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت‌فقیه است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳).

۲.۴. تحلیل داده‌ها

در این تحقیق داده‌های جمع‌آوری شده پیرامون موضوع، با استفاده از ابزار روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. تحلیل مضمون ۸ فرآیندی برای تحلیل اطلاعات کیفی است. به همین جهت در این تحقیق با استفاده از روش تحلیل مضمون در پی کشف معنا و مفهوم دقیق دستگاه فکری مورد نیاز برای طراحی یک الگوی سیاست‌گذاری مطلوب در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشیم. با توجه به الگوی حاکمیتی نظام اسلامی، دستگاه فکری کلان آن باید دارای مفاهیم، اصول، مولفه، شاخص و... مشخص و معین برای خود باشد. برای کشف این مفاهیم، مولفه‌ها و... با استفاده از روش تحلیل کیفی بیان شده به استخراج و کشف از میان اندیشه رهبری نظام اسلامی می‌پردازیم. برای این منظور، مراحل فعالیت را بر اساس مراحل روش مذکور پیگیری می‌کنیم. در اینجا از مدل شش مرحله‌ای ذیل برای تحلیل داده‌ها استفاده خواهیم کرد.



جدول شماره (۱): نقشه راهنمای مراحل شش‌گانه پیاده‌سازی روش تحلیل مضمون (Braun & Clarke, 2006: 87)

مرحله	عنوان	توصیف فرآیند (گام‌ها)
اول	آشنا شدن با متن	رونویسی داده‌ها (در صورت نیاز)، خوانش و دوباره‌خوانی داده‌ها، ثبت ایده‌های اولیه
دوم	تولید کدهای اولیه	کدگذاری همه داده‌ها بر اساس روشی سیستماتیک و مبتنی بر ویژگی‌های مورد علاقه محقق، مقابله و تطبیق دادن داده‌های مرتبط با هر کد
سوم	جستجوی مضامین	تطبیق کدها با مضامین بالقوه، گردآوری همه داده‌های مرتبط با هر مضمون بالقوه
چهارم	مرور مضامین	بررسی این‌که اگر مضامین نسبت به خلاصه‌های کدگذاری شده و همه مجموعه داده‌ها هماهنگی و تطابق دارند آنگاه یک نقشه تحلیلی مضمون بنیاد ایجاد شود.
پنجم	تعریف و نام‌گذاری مضامین	تحلیل مستمر مضامین به‌منظور پایش ویژگی‌های خاص هر مضمون و به‌طور کلی بیان داستان‌وار تحلیل، خلق تعاریف واضح و نام‌گذاری برای هر مضمون
ششم	تدوین گزارش	این مرحله فرصتی نهایی برای تحلیل است. این مرحله شامل انتخاب و گزینشی مشخص، نمونه‌های خلاصه‌شده گیرا و جذاب، تحلیل نهایی خلاصه‌های انتخاب شده، شرح ارتباط بین تحلیل صورت گرفته با سؤالات و ادبیات تحقیق، خلق گزارشی محققانه و تحلیلی است.

لذا با توجه به موضوع این تحقیق این تحقیق کلیدواژه‌های مورد نظر را استخراج و در نظام اندیشه ای آیت‌الله خامنه ای (شامل کلیه بیانات و مکتوبات در دسترس ایشان) می‌پردازیم. کلیدواژه‌های تقریبی برای نزدیک شده به مفهوم دستگاه فکری در الگوی سیاست‌گذاری مطلوب جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

جدول شماره (۲): کلیدواژه‌های جستجوی داده

ردیف	کلیدواژه	ردیف	کلیدواژه
۱	نقش رهبری	۷	سیاست
۲	جایگاه رهبری	۸	سیاست‌گذاری کلی (کلان)
۳	تکالیف رهبری	۹	تعیین جهت
۴	مسئولیت رهبری	۱۰	خط‌مشی
۵	وظایف رهبری	۱۱	سیاست‌گذاری
۶	اختیارات رهبری	۱۲	ریل‌گذاری

با استفاده از جستجوی کلیدواژه‌های فوق، حجم انبوهی از داده‌های خام در اختیار محقق قرار گرفت که پس از مطالعه و بازبینی و حذف داده‌های غیر مرتبط و یا تکراری، با استفاده از روش کدگذاری داده‌های مرتبط با موضوع ضمن نامگذاری و تبدیل شدن به مضمون، به فرآیندهای روش تحلیل وارد گردید. در مراحل بعد با استفاده از روش کدگذاری تلفیقی (ترکیبی) این داده تا حد امکان به مضامین کلان‌تر تبدیل و در نهایت مضامین اصلی احصا شده در قالب گزاره‌های مورد مطالبه بصورت جدول ذیل ارائه شد.



جدول شماره (۳): مفاهیم، اصول، مولفه‌ها، شاخص‌ها و... دستگاه فکری

مفاهیم، اصول، مولفه‌ها، شاخص‌ها و... دستگاه فکری		
۱	مبانی نظری دستگاه فکری	دستگاه فکری رهبری نظام اسلامی با ابتدای بر منابع اسلامی، مبانی نظری مشخص دارد.
۲	پویایی دستگاه فکری	دستگاه فکری رهبری نظام اسلامی، دستگاهی زنده، پویا و در حال تکامل است.
۳	گسترده‌گی و جامعیت دستگاه فکری	دستگاه فکری رهبری نظام اسلامی، در همه ابعاد و عرصه‌ها جامعیت لازم را داراست.
۴	خلاقیت دستگاه فکری	خلاقیت ابزار دستگاه فکری رهبری نظام اسلامی برای حل مسائل حال و آینده نظام اسلامی است
۵	سیر تطور تاریخی دستگاه فکری	دستگاه فکری رهبری نظام اسلامی در طول تاریخ تکامل یافته و میراث‌دار دستگاه فکری سلف اسلامی است.
۶	پاسخگویی دستگاه فکری	دستگاه فکری رهبری در نسبت با مسائل نظام اسلامی مسئول و دارای توان پاسخگویی است.

آیت‌الله خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبران نظام اسلامی و نیز امامان جامعه اسلامی، رهبری و مهندسی این دستگاه فکری را بر عهده داشته‌اند. بر اساس ادبیات موجود و در دسترس، در اندیشه ایشان تعابیر چندی در باب این دستگاه فکری استفاده گردید است که در جدول ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

جدول شماره ۴: تعابیر استفاده شده در معنا و مفهوم نزدیک به دستگاه فکری و زمان استفاده از آن

ردیف	عنوان	سال استفاده
۱	دستگاه فکری	۱۳۸۲ / ۱۳۹۳
۲	مجموعه فکری	۱۳۷۵ / ۱۳۸۲ / ۱۳۸۹ / ۱۳۹۱ / ۱۳۹۴
۳	نظام فکری	۱۳۷۲ / ۱۳۷۴ / ۱۳۸۴ / ۱۳۹۲ / ۱۳۹۳
۴	منظومه فکری	۱۳۹۱ / ۱۳۹۳ / ۱۳۹۴
۵	مکتب فکری	۱۳۶۹ / ۱۳۸۴ / ۱۳۹۴

با تحلیل توصیفات و تشریح بیان شده از سوی آیت‌الله خامنه‌ای و بر اساس ادبیات مورد استفاده ایشان در زمان متأخر، می‌توان مفهوم دستگاه فکری را در اندیشه ایشان با عنوان مکتب فکری معین نمود. در واقع آنچه که ایشان از مکتب فکری مراد می‌نمایند اعم از منظومه فکری است. ایشان برای تبیین جامعیت مکتب فکری نسبت به منظومه فکری، به جامعیت منظومه فکری امام خمینی (ره) می‌پردازند و آن منظومه فکری جامع را واجد همه شرایط لازم یک مکتب فکری دانسته و ویژگی‌های آن مکتب فکری را برمی‌شمارند. ایشان در باب منظومه فکری امام خمینی (ره) بیان می‌کنند: «منظومه‌ی فکری امام دارای خصوصیات کامل یک مکتب فکری و اجتماعی و سیاسی است. اولاً متکی و مبتنی بر یک جهان‌بینی است که این جهان‌بینی عبارت است از توحید. همه‌ی فعالیت او، همه‌ی منطق او مبتنی بود بر توحید که زیربنای اصلی همه‌ی تفکرات اسلامی است. خصوصیت دیگر این منظومه‌ی فکری که آن را به‌صورت یک مکتب به معنای واقعی کلمه درمی‌آورد، این است که منظومه‌ی فکری امام به‌روز بود؛ مسائل مورد ابتلای جوامع بشری و جامعه‌ی ایرانی را مطرح می‌کرد و مخاطبان، آن را حس می‌کردند... خصوصیت دیگر این مکتب فکری این بود که زنده و پویا و پر تحرک و عملیاتی بود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴). در واقع در باب تبیین چیستی مکتب فکری می‌توان این‌گونه بیان نمود که «مکتب فکری، منظومه‌ای از اندیشه و تفکر است که در سیر تطور تاریخ تفکر، نقشی تحول‌آفرین دارد و دربر دارنده پاسخ‌های بدیع به پرسش‌های تاریخی است. در واقع مکتب هم توانسته است گسترش‌یافته و شأن اجتماعی یابد و هم حکمت عملی گسترده‌ای فراهم آورد» (ثقفی، ۱۳۹۵).



نتیجه‌گیری

با توجه به استدلال‌های آورده شده در این تحقیق می‌توان به این نتیجه رسید که در موضوع دستگاه فکری که به‌عنوان محور سیاست‌گذاری در این تحقیق مورد بحث و بررسی قرار گرفت، مکتب فکری رهبران نظام اسلامی، دستگاه فکری مورد نیاز برای سیاست‌گذاری مطلوب در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. آنچه که در این تحقیق در نسبت با مسئله نقش و جایگاه رهبری نظام اسلامی در سیاست‌گذاری مطلوب بیان گردید، اثبات می‌نماید که فرآیند سیاست‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی باید در چارچوب مکتب فکری رهبران انقلاب اسلامی صورت پذیرد و از دیگر سو و بر اساس نص صریح ایت‌الله خامنه‌ای تحقق این امر مستلزم دستیابی به این مکتب فکری است. ایشان در اینخصوص و در باره لزوم دستیابی به اصول مکتب امام اشاره مستقیم داشته و بیان می‌کنند «امام {خامنه‌ای} مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد؛ امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفت و در آن مشغول حرکت شد؛ ادامه‌ی این راه بستگی دارد به اینکه این نقشه‌ی راه، درست شناخته بشود؛ بدون اینکه امام را درست بشناسیم - به معنای شناخت اصول امام - این نقشه‌ی راه، شناخته نخواهد شد. بدیهی است بحث ما بر مبنای فکری امام است؛ بحث بر سر تصمیم‌های مقطعی و مربوط به زمان یا مکان نیست؛ بحث بر سر آن شاکله‌ی اصلی تفکر امام بزرگوار ما است؛ این را می‌خواهیم درست بشناسیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴). در واقع اولین گام لازم برای سیاست‌گذاری صحیح در نظام اسلامی یافتن نقطه آغاز حرکت سیاست‌گذاری است که در نظام جمهوری اسلامی ایران با حاکمیت ولی‌فقیه، این نقطه آغاز مکتب فکری امام جامعه اسلامی است؛ بنابراین سیاست‌گذاران باید در جهت چگونگی دستیابی به این مکتب فکری اندیشیده و تلاش خود برای سیاست‌گذاری را در مرتبه نخست به قرب، انس و درک بیشتر از این مکتب فکری متوجه سازند. مکتب فکری به علت بنیان نهاده شدن بر اصول بنیادین اندیشه اسلامی بیشترین هم‌گرایی را در "جهت فکری" سیاست‌گذاران فراهم می‌کند. در واقع در فرآیندهای سیاست‌گذاری یکسانی و همسانی کامل اندیشه سیاست‌گذاران، نه تنها به دلیل ساحات و بسترهای فکری متفاوت افراد امری ممکن نیست، بلکه به لحاظ لزوم تنوع و وجوب بستر آزاداندیشی در فرآیند سیاست‌گذاری امری مطلوب نیز نخواهد بود. لکن آنچه لازم و ضروری و محل دقت این تحقیق است آن است که لزوماً جهت فکری سیاست‌گذاران باید در جهت فکری مرجع آن جامعه باشد که در موضوع این تحقیق جهت فکری مرجع، جهت فکری رهبران انقلاب اسلامی است.

منابع

- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۱)، روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، انتشارات کتاب آشنا
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: جامعه شناسان.
- بنت، تونی و مریک (۱۳۸۳)، «ارتقای پژوهش و همکاری بین‌المللی برای سیاست فرهنگی»، قدرت فرهنگی (مجموعه مقالات)، ترجمه ضیاء تاج‌الدین، تهران، اداره کل پژوهش‌های سیما، صص ۱۶۵-۲۰۸
- ثقفی، علی (۱۳۹۵)، سخنرانی اختتامیه همایش اندیشه راقی، تهران
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷)، روش تحقیق در مدیریت، انتشارات بازتاب
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۶)، جایگاه تمدنی ایران امروز در جهان اسلام، تهران، انتشارات سرو اندیشه، چاپ اول
- دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶)، استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازانی داده‌بنیاد، اندیشه مدیریت راهبردی، سال اول شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۶۹-۹۷
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- سرمد، زهره و همکاران (۱۳۹۵)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگه.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱
- قلی‌پور، رحمت‌الله، ابراهیم غلامپور آهنگر؛ (۱۳۸۹)، فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- کلینی، اصول کافی، انتشارات علمیه اسلامی، چاپ ۱۳۶۹، تهران، ج ۱ ص ۲۰۲
- ماژرزاک، آن (۱۳۷۹)، روش‌های سیاست‌پژوهی (پژوهش برای سیاست‌گذاری)، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران، انتشارات تبیان



محمدباقر، مجلسی، بحار النوار، انتشارات علمیه اسلامیة، چاپ ۱۳۶۳، تهران، ج ۹۷ ص ۳۴۲
 نرم افزار صحیفه نور، بیانات و مکتوبات امام خمینی (ره)
 وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، بیانات آیت الله خامنه‌ای؛ (WWW.KHAMENEI.IR)

Braun, V. and Clarke, V. (2006) *Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology*, 3 (2). pp. 77-101. ISSN 1478-0887 Available from: <http://eprints.uwe.ac.uk/11735>
 Huntington, Samuel P, *The clash of civilization?*, *Foreign Affairs*; Summer 1993; 72,3; ABI/INFORM Global, pg. 22
 Lasswell, H; *A Preview of Policy Sciences*; New York: Elsevier, 1971
 Lerner, D, & H. D. Lasswell (eds); *The Policy Sciences: Recent Developments in Scope and Method*; Stanford: Stanford University Press, 1951.
 Michael Howlett and M, Ramesh, "Studing Public Policy Cycle, and Policy Subsystems", Oxford University Press, 1995, P. 146.
 Ramesh, M. (1995), et Howlett, M. *Studying public policy Cycle and policy Subsystems*, Oxford, Oxford University press.
 Yoshihiro Francis Fukuyama, *The End of History and the Last Man*; 1992;

پی‌نوشت

^۱ سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۵۵

^۱Think tank

^۲policy

^۳Intellectual Apparatus

^۴Strategy

^۵Goals

^۶Public Policy Science

^۷Harald Laswel and et al

^۸Patrice Duran

^۹sabatier

^{۱۰}Policy Sciences

^{۱۱}Policy Studies

^{۱۲}Policy Analysis

^{۱۳}Multi Disciplinary

^{۱۴}Problem-solving

^{۱۵}Explicitly Normative

^{۱۶} صحت سیاست: اعتبار و درستی سیاست

^{۱۷}Thematic Analysis Method